



اظهارنظر تیم سیاست خارجی دولت یازدهم علیه روسیه درروز سفر لاریجانی و هم‌زمان تئوریزه‌کردن مذاکره با آمریکا چه معنایی دارد؟

تخریب جامع دیپلماسی ایران



علی مزروعی

خبرنگار گروه سیاست

در هرجای دنیا اگر شخصیت سیاسی نخست یک کشور پیامی به کشور دیگر منتقل کند فضای رسانه‌ای متمرکز می شود روی علل انتقال پیام، نسبت پیام و حوادث روز اما در ایران در همان روزی که دبیر شورای عالی امنیت ملی برای انتقال پیام رهبر انقلاب به پوتین عازم مسکو شد یک کمپین رسانه‌ای ضد روسیه شکل می گیرد تا هم پیام مهم ایران به روسیه نادیده گرفته شده و هم بدتر از آن اساس روابط دو کشور زیر سؤال برود. این فضاسازی صرفاً به این دلیل صورت گرفته است که وزیر خارجه روسیه به درست یا غلط اظهاراتی را در مورد یک شخصیت سیاسی در ایران مطرح کرده که الان هیچ مسئولیت سیاسی ندارد؛ اما یک بدنه هواداری برای خودش ایجاد کرده که تمام مناسبات بین‌المللی را از پنجره مدح عاشقانه شخص او می‌نگرد. او به پشتوانه همین بدنه هواداری روز پنجشنبه در یک گرد همایی دانشگاهی تمام مناسبات دو کشور را زیر سؤال می برد و این خط را به بدنه هواداری اش می دهد که بعد از اظهارات لااروف تمام روابط دوجانبه را زیر سؤال ببرند. حتی اگر استدلال‌های ظریف در مورد نگاه منفعت طلبانه روسیه را هم بپذیریم و رأی‌های مهم اخیر روسیه و چین در شورای امنیت به نفع ایران را نادیده بگیریم این سؤال در مقابل وزیر خارجه دولت دوازدهم قرار می‌گیرد که آیا بهتر نبود او حملاتش به روابط دوجانبه را به چند روز بعد از سفر دبیر شوروزای عالی امنیت ملی موکول می‌کرد. اگر بی توجهی وزیر خارجه دولت روحانی به منافع ملی را نادیده بگیریم این موضع گیری شستابزده بعد از کنایه‌های لااروف برای خود او نیز وجهه‌ای عصبانی و غیرمنطقی می‌سازد که تمام روابط بین‌الملل را در نسبت با جایگاه خود سنجیده و هر زمان که یکی از مسئولان سایر کشورها به او کنایه بزند او شمشیر را از رو بسته و به‌صرف این کنایه تمام روابط دوجانبه را زیر سؤال می‌برد. او با چنین مواجهه‌ای خنق‌رمز سیاست خارجی ایران را از تأمین منافع ملی به حفظ هویت سیاسی شخصی تقلیل می‌دهد. انتشار محتوای این صحبت‌ها و ایجاد کمپین هواداری که به دفاع از ظریف اکتفا نکرده و کل روابط دوجانبه با مسکو را زیر سؤال می‌برد از آنکه با در نظر گرفتن منافع و مصالح ملی با سفر مهم دبیر شوروزای عالی امنیت ملی مطرح شده و اثر رسانه‌ای این سفر مهم را به حاشیه برده است، ثانیاً توسط رسانه دولتی ایرنا منتشر شده و می تواند یک پیام غلط از موضع رسمی دولت را به روسیه منتقل کند و ثالثاً بر خلاف اظهارات حسن روحانی است که با

هدف کنند بر چسب شرق ستیزی از دولتش مدعی روابط خوب با چین و روسیه بود. این اظهارات نشان می‌دهد دولت دوازدهم به روابط با شرق نگاه جدی نداشته و طی چندین سال که غربی هافشار اقتصادی را بر ایران تشدید کره بودند دچار فرصت‌سوزی در استفاده از فرصت بزرگ همکاری با شرق شده است، چیزی که ظریف در کتاب راز سر به مهر با تعبیر «رنجاندن دوستان دوران سختی» به آن اعتراف کرد.

زمان ومكان نشناسی کمپین هواداری

مهم ترین دلیل غیر منطقی بودن این صحبت‌ها هم زمانی آن با مسفر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی

به مسکو است. این سفر که با هدف انتقال پیام رهبر انقلاب به رئیس جمهور روسیه صورت گرفته، در شرایطی انجام می‌شود که روسیه و چین در فضای علنی مواضع حمایتی خوبی از ایران در شورای امنیت سازمان ملل اتخاذ کرده و اعلام کرده‌اند که با رگشست تحریم‌های این شورا علیه ایران را به رسمیت نمی‌شناسند. با این حال، انتشار صحبت‌های ظریف ساعتی پس از این سفر می‌تواند بر ضد فضای هم‌سویی ایجادشده عمل کند. ظریف در این صحبت‌ها روسیه را به دلیل تمرکز بر منافع خود در مواجهه با ایران مورد انتقاد قرار داده است، این رویکرد درحالی است که در روابط بین‌الملل این ملاحظه وجود دارد که تمام کشورها منافع ملی خود را دنبال می‌کنند. ایران در چنین فضایی باید با توسعه سبب دیپلماسی از تمام ظرفیت‌هایی که منافع مشترکی در آن وجود دارد حداکثر بهره‌برداری را داشته باشد. مقامات و چهره‌های سیاسی اثرگذار باید با آگاهی از این امر بدیهی در روابط بین‌الملل از تمام ظرفیت‌های دیپلماتیک برای پیشبرد منافع کشور بهره جویند نه آنکه با مطلق انگاری، موانعی بر سر راه روابط با شرق ایجاد کرده؛ اما در مواجهه با رویکرد خصمانه طرف غربی ساده‌انگاری پیشه و رزنند. بی توجهی به بازه زمانی پسا ماشه که ایران برای ایستادن در مقابل تهدیدات اقتصادی و امنیتی غربی نیاز به تشکیل یک جبهه‌بندی سیاسی و امنیتی دارد نشان می‌دهد که این مواجهه مبنای منطقی و استدلالی نداشته و صرفاً به دلیل ناراضایی شخصی ظریف از کنایه‌های سرگنی لااروف، وزیر امور خارجه روسیه صورت گرفته است. لااروف پیش تر از پذیرش مکانیسم ماشه توسط ظریف ابراز تعجب کرده بود و مدعی بود که روسیه وقتی تمایل وزیر خارجه ایران را دیده در این مورد دخالتی نکرده است. درواکنش به

این اظهارات ظریف به یک کمپین رسانه‌ای ضد منافع دوجانبه دامن زده و با یک کنش احساسی منافع ملی را قربانی دفاع از جایگاه سیاسی خود کرده است. ظریف البته سابقه پری از کنش‌های

هیجانی داشته است. او یک سال بعد از شهادت سردار سلیمانی یک دوگانه ساختگی با عنوان میدان و دیپلماسی را در گفت‌وگو با سعید لیلاز مطرح کرد که در ادامه خودش چندین بار ناچار شد از اظهاراتش در این باره عقب بنشیند. ظریف با همین رویکرد هیجانی چندین بار تا پای استعفا از دولت رفت و یک باره هم این کار را به این بهانه که از سفر بشار اسد به ایران مطلع نبود انجام داد؛ اما در ادامه استعفایش را پس گرفت. با وجود این سابقه کمپین هواداری که هیچ‌گونه انتقادی را نسبت به وزیر خارجه دولت روحانی برنتابیده و او را مبرا از خطا می‌دانند تا حدی پیش رفته است که حسام‌الدین آشنا طی تویییتی تهدید کرده است که نباید روحانسی و ظریف را تحریک کرد؛ چرا که «اگر آن‌ها دهان باز کنند همه ضرر می‌کنند.» به این ادبیات رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک دولت روحانی که یادآور دوران «بگم، بگم» های اواخر دولت دهم است دو ایراد وارد است. اولاً اینکه انتقادات به ظریف را لااروف مطرح کرده است؛ اما بدنه هواداری وزیر خارجه اسبق انتقامشان را می‌خواهند با دعوای سیاسی در داخل بگیریند. ثانیاً این پرسش در مقابل آشنا قرار می‌گیرد که آیا روحانی که سابقه تکرار ادبیات سازمان منافقین را نیز داشته و در انتخابات سال ۹۶ در مورد احکام معدومین عضو این گروهک تروریستی تشکیک کرده اکنون مرزی مانده که رد نکرده باشد؟

دومین نکته مورد انتقاد مبدأ انتشار سخنرانی ظریف یعنی خبرگزاری ایرنا است. ایرنا رسانه رسمی دولت محسوب می‌شود. انتشار چنین محتوایی از طریق این رسانه، می‌تواند به اشتباه این پیام را به طرف روسی منتقل کند که دیدگاه‌های انتقادی ظریف، موضع رسمی دولت ایران است، چنین خروجی غیرهوشمندانه‌ای از رسانه دولتی ایرنا می‌تواند بر درک دوطرفه ایجادشده تأثیر منفی بگذارد.

تناقضات دولت روحانی درروایت روابط باشرق

دیگر جنبه موردبررسی صحبت‌های ظریف تناقض آن با اظهارات حسن روحانی است. روحانی در ویدئویی که اخیراً هم با زتاب پیدا کرده تأکید کرده که دولتش روابط مطلوبی با شرق برقرار کرده است. وی به وتوی قطعنامه‌های غیر برجامی توسط روسیه و چین اشاره



اظهارنظر تیم سیاست خارجی دولت یازدهم علیه روسیه درروز سفر لاریجانی و هم‌زمان تئوریزه‌کردن مذاکره با آمریکا چه معنایی دارد؟

کرده‌و از قول سرمایه‌گذاری ۴۰ میلیارد دلاری‌ش جین پینگ، رئیس جمهور چین از طریق بانک‌های چینی سخن گفته که بیش از پیشنهادهای ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلاری اروپا بوده است. با این حال، مصاحبه ظریف روایتی متناقض عرضه می‌کند و نشان‌دهنده آن است که مواجهه دولت وقت با روسیه و شرق، آن چنان که روحانی توصیف می‌کند، ابتدال نبوده است. درحالی‌که روحانی بر دستاوردهای دیپلماتیک با شرق تأکید دارد، انتقادات ظریف حاکی از ناکارآمدی‌های دولت وقت است. دولت دوازدهم در روایت روابط خارجی ایران دچار تناقضاتی است که ریشه در نگاه سیاسی به این موضوع دارد. برخی شخصیت‌های سیاسی، بسته به اقتضانات سیاسی و منافع جناحی، گاه از عملکرد مثبت در روابط با شرق سخن می‌گویند و گاه با هدف تضعیف رقبا به تخریب این روابط می‌پردازند. ظریف پس از اظهارات سرگنی لااروف درباره خودش، به ناگاه با انتقادکردن از روسیه افتاده است. چنین رویکردی این تصویر را از وزیر خارجه دولت روحانی می‌سازد که او روابط بین‌الملل را نه از دریچه تجربیات دیپلماتیک و آموخته‌های دانشگاهی بلکه از دریچه برخورد‌های شخصی تحلیل می‌کند.

اعتراف به شرق ستیزی

روحانی اخیراً ضمن اعتراف به این موضوع که چین سال ۹۴ یک بسته سررمایه‌گذاری ۴۰ میلیارد دلاری یعنی رقمی در حدود ۳ برابر پیشنهاد اروپایی‌ها در آن زمان برای همکاری با ایران پیشنهاد داده است مدعی شده که پس از خروج آمریکا از برجام این کشور نیز از پیشنهادش عقب نشست. تعاملات این روزهای الملل را نه از دریچه تجربیات دیپلماتیک و شوروی امنیت را که خود عضو دائم آن است به رسمیت نشناسد با آنچه روحانی می‌گوید تناقض دارد. روحانی بدون اینکه اشاره کند در آن زمان در سوای عادی سازی روابط با غرب رئیس جمهور چین را حتی در حد پروتکل میزبانی در هتل نیز نادیده گرفته است مدعی می‌شود صرفاً به دلیل بیرون رفتن آمریکا از برجام چین عقب نشسته است. البته ظریف در کتاب «راز سر به مهر» اعتراف خوبی در این رابطه داشته است: «با خوش خيالي، دوستان دوران سختی را در سراب طمع سرازير شدن شرک‌های غربي از خود رنجانديم. اتفاقي که اگر نمی افتاد نه دوستان دوران سختی رهايمن می کردند و نه با فشار حداکثري ترامپ مواجه می شديم.» دولت روحانی تنها زمانی به سمت شرق چرخش کرد که آمریکا از برجام خارج شده بود. زمانی که روحانی با دستان خالی به سمت شرکای سابقه عقب‌گرد کرد و طبیعتاً نمی توانست توقع داشته باشد آن‌ها همان پیشنهادهای گذشته را روی میز قرار دهند. ماجرای واردات واکسن کرونا از چین که دولت دوازدهم در آن نساکم مانده و آمار ۷۰۰ فوتی در روز را نظاره می‌کرد پرننگ‌ترین جلوه از اثرات یک لیبازیی سیاسی با شرق است. دعوی این روزهای ظریف با لااروف که به یک سخنرانی تند علیه روسیه رسیده است اثبات می‌کند که دولت وقت از ابتدا تمایلی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی با شرق نداشته و یک فرصت بزرگ را سوزانده است. این دیدگاه غلط همچنان تداوم داشته و مقامات وقت اکنون با کوچک‌ترین بهانه‌ای پیش فرض‌های غلط خود در روابط بین‌الملل را مجدداً به رخ کشیده و با هدف حفظ هویت سیاسی خود منافع ملی را به مسلخ می‌برند.

شعيب بهمن، کارشناس مسائل روسيه در گفت وگو با «فره‌یختگان» مطرح کرد

سیاست خارجی؛ گروگان دعواهای جناحی

اظهارنظرهای وزیر خارجه پیشین در مورد فرایند مذاکرات برجام، درست در شرایطی مطرح شد که روابط ایران با شرق در موقعیت حساسی قرار دارد، البته نکته مهم‌تر این بود که پاسخی که محمدجواد ظریف به اظهارات لااروف داد به جای آنکه با در نظر گرفتن منافع و مصالح ملی مطرح شود، رنگ و بوی قربانی کردن منافع ملی برای دفاع از شخص خود، پیدا کرده است. موضوعی که این ابهام را تقویت می‌کند اینکه دیپلمات کارکشته‌ای مثل محمدجواد ظریف درک روشنی از این موضوع نداشته که صحبت‌های او در جایگاه وزیر پیشین در سطح بین‌المللی و روابط دوجانبه ایران و روسیه چه اثری خواهد گذاشت؟ در گفت‌وگو با شعبی بهمن، کارشناس مسائل روسیه به بررسی جنس روابط ایران و روسیه و اظهارنظرات مقامات دو کشور پرداخته‌ایم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

سیاست خارجی عرصه دعواهای جناحی نیست

سؤال اساسی که بعد از صحبت‌های ظریف در مورد مکانیسم ماشه مطرح می‌شود این است که چقدر مطرح کردن این موضوعات به نفع منافع و مصالح ملی تمام خواهد شد. بهمن در واکنش به این موضوع گفت: «متأسفانه سیاست خارجی ایران در سال‌های گذشته دچار یک معضل بزرگ شده که با تفکر جناحی یا سیاسی، به سیاست خارجی نگاه می‌کند. این مسئله باعث شده رویکردها و نگرش‌هایی که جریان‌های سیاسی در داخل دارند و در محیط داخلی ایران با یکدیگر رقابت سیاسی می‌کنند - که امر طبیعی هم است - متأسفانه در سیاست خارجی هم نمود پیدا کند. یعنی حتی برداشت‌هایی که جریان‌های سیاسی از منافع ملی و به تبع آن جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و روابط با کشورهای مختلف در سطح دنیا دارند، نیز دستخوش این مشکل شده است. این مسئله باعث شده که رویکردهای جناحی و سیاسی در بسیاری از بزنگاه‌های تاریخی بر منافع ملی ارجحیت پیدا کند. یکی از مصداقین آن قاعدتاً دوران فعلی است؛ در شرایطی که یک جنگ مهم را پشت سر گذاشتیم که در یک طرف آن، آمریکا حمایت کامل از اسرائیل انجام داده است و به شکل کاملاً ناجوانمردانه تحریم‌های سازمان ملل بر اساس مکانیسم ماشه علیه ایران فعال شده، مصلحت و ضرورت حکم می‌کرد که جریان‌های سیاسی داخلی کشور نگاه وسیع‌تری به حوزه سیاست خارجی داشته باشند. در موقعیتی که عملاً یک صف‌کشی بزرگ در دنیا در حال رخ

خارجی‌اش را با بسیار کشورها گسترش دهد و این کاملاً عقلانی است که فراتر از بحث‌های موجود بین جریان‌های سیاسی در داخل کشور می‌بایست به این موضوع نگریسته شود. البته، این دوگانگی در حوزه سیاست خارجی ایران آن قدر در سال‌های گذشته مشهود بوده که کشورهای خارجی ایران نیز به‌وضوح متوجه این دوگانگی‌ها شده‌اند. شاید کشورهایی مثل روسیه یا حتی چین متوجه باشند که این بحث‌ها از کجا ناشی می‌شود، اما واقعیت این است که در کلیت روابط این کشورها با ایران تأثیر می‌گذارد؛ چون ایران کشوری بوده که در طول سال‌های گذشته با قدرت سیاسی و دولت‌هایی که بارها بین طیف‌ها و جریان‌های سیاسی دست‌به‌دست شده‌اند مواجه بوده و طیف‌های مختلف، در دوره‌هایی قدرت سیاسی را در اختیار گرفته‌اند. قاعدتاً زمانی طیف‌هایی که نگاه توسعه‌ای به روابط با چین ندارند، حاکم می‌شوند، گسترش روابط با این کشورها نیز دچار ایراد می‌شود. چنانچه کشورهایی مثل روسیه - بینشان این نگاه است که ایران در شرایط خاص به سمت آن‌ها می‌رود - اگر روابطش با کشورهای غربی بهبود پیدا کند، گسترش روابط با مسکو و پکن را به فراموشی می‌سپارد و این پدیده را «دیپلماسی اضطراب و اجبار» نامیده‌اند به همین دلیل است که هیچ‌یک از اسناد راهبردی بلندمدتی که بین ایران و چین بوده یا بین ایران و روسیه بوده، هیچ‌وقت به‌شکل جامع به مرحله اجرا نرسیده و با چالش‌های جدی در حوزه اجرا مواجه بوده است. دست‌کم در شرایط فعلی که کشور با تهدیدهای حیاتی مواجه شده و در عین حال احتمال وقوع یک جنگ دیگر بسیار برجسته است و در کنار آن هم فشارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی گسترده‌ای در حوزه بین‌الملل به ایران وارد می‌شود، حفظ وحدت و انسجام ملی در داخل کشور و داشتن یک صدای واحد و یکپارچه در حوزه سیاست خارجی، می‌تواند راهگشا باشد و به قدرت ملی ایران بیفزاید. بر این اساس سیاستمداران ایرانی می‌بایست تا جایی که امکان‌پذیر است، از اظهارنظر‌های ضد و نقیضی که نمی‌توانند هیچ کمکی به کشور کند، پرهیز کنند.»

تناقض گویی‌های سابقه‌دار ظریف

شعبی بهمن در مورد روایت محمدجواد ظریف پیرامون فرایند پذیرش اسنپ‌بک هم گفت: «واقعیت این است که روایت‌های تناقضی در این باره مطرح شده، زمانی هم که فایل صوتی آقای ظریف منتشر شد، هم بحث‌های متناقض این چنینی را مطرح کرده بودند. چون بخشی از آن به مذاکرات بسته‌ای

برمی‌گردد که همچنان بخش‌های مهم آن عمومی نشده، اظهار نظر قاطع در موارد اینچنینی سخت و دشوار است؛ اما دست‌کم تا به اینجا ی کار می‌بینیم که برخی از روایت‌هایی که آقای ظریف داشته‌اند، روایت‌های کاملاً متناقضی بوده‌اند. از ابتدای برجام، ایشان بحث تعلیق یا لغو تحریم‌ها را نمی‌پذیرفتند؛ استفاده از واژگانی مانند «احتمال حضور» یا «احتمال خروج آمریکا از برجام» را کاملاً رد می‌کردند، وجود مکانیسم ماشه را کاملاً منکر می‌شدند و در عین حال موضوعات و حواشی دیگری هم پیرامون بحث برجام مطرح شد که از جمله آن‌ها ماجرای فرانچسکو بود. بنابراین اظهارات ضدو نقیض و بعضاً نادرستی را از آقای ظریف در این مدت دیدیم که نه فقط با روایت لااروف در تضاد است بلکه با روایت افرادی که در ایران بودند از جمله روایتی که آقای صالحی، مطرح کرده در تضاد است. در کنار بحث هسته‌ای، در سایر موضوعاتی که اشاره می‌کنند هم ایرادات اساسی وجود دارد؛ مثلاً اینکه سفر سردار سلیمانی به روسیه را خود روس‌ها علنی کردند. این سفر در شرایطی انجام شد که سردار سلیمانی تحت تحریم‌های بین‌المللی بود و افشای این سفر می‌توانست روس‌ها را به شدت تحت فشار قرار دهد؛ بنابراین به هیچ وجه عقلانی نبوده که روس‌ها آن را افشا کنند. کما اینکه حتی پس از اینکه موضوع سفر در برخی از رسانه‌ها مطرح شد، روس‌ها به‌سرعت آن را تکذیب کردند. یا در موارد دیگری، در حوزه همکاری‌های ایران و روسیه در سوریه - قبلاً در فایل صوتی بحث شده - در آنجا هم به نظر می‌رسد که اشتباهات و نکات نادرست متعددی در بیانات آقای ظریف وجود دارد. وقتی همه آن‌ها را کنار هم می‌گذاریم - یعنی تناقض گویی‌هایی که چه در حوزه هسته‌ای و چه در سایر مسائل آقای ظریف مطرح کرده - در کنار روایت‌های سایر مقامات ایرانی که آن‌ها را هم نگاه می‌کنیم و در عین حال آن کتمان‌هایی که در حوزه‌های مختلف مطرح شده بود، از واژه «تعلیق» و «بحث» اسنپ‌بک، در آنجا تردیدهای خیلی جدی در باره بحث آقای ظریف صحبت به‌وجود آمد، ولی این موضوع‌ها خیلی جدی است باید ابعاد مختلف آن روشن شود. افرادی که در این پروسه درگیر بودند، می‌بایست به شفاف‌سازی روند، کمک کنند؛ چون این قرانت‌های مختلفی که در جامعه ما شکل گرفته، به دوقطبی‌های موجود و مسئله همگرایی و همبستگی طعمه زده است. اگر آقای ظریف و اطرافیان‌شان در مورد این موضوعات سکوت کنند، خیلی بهتر است؛ چون این موضوع هرچه بیشتر باز شود، طیف اتهاماتی که می‌تواند علیه ایشان مطرح شود، قاعدتاً گسترده‌تر خواهد شد.»